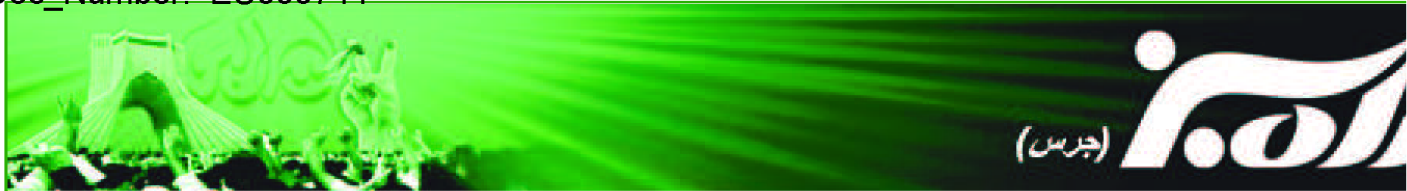


Doc_Number: EU000744



خانه | درباره ما | تماس با ما | آرشیو | کمک به ما | نسخه خطی/موبایل | پیوندها

اقتصادی اجتماعی فرهنگی تصویر یادداشتهای وارده لزوما بیان گر دیدگاههای جرس نیست. صفحه پیوندهای جرس دری به تمامی رسانه ها.

سغد ۱۳۸۸ برابر با 16 Mar 2010 مصادف با 30 ربیع الأول 1431 آخرین به روز رسانی: ساعت 22:24 به وقت تهران

طرح سبز

طراح سبز یا مقلب القلوب و الابصار دیکتاتور و از رو زمین بردار آرشیو

آیات سبز

عبدالعلی بازرگان توحید و طاعون! آرشیو

آرشیو

نقد حال

سید عطاء الله مهاجرانی کدام اقتدار فرهنگی؟ آرشیو

آرشیو

گرگ و میش

سید ابراهیم نبوی در خدمت و خیانت روشنفکران آرشیو

آرشیو

مژده کتاب

حسین کمالی از خدا و بیغمبر آرشیو

آرشیو

دیار حبیب ، بلاد غرب

احمد صدری خلاص هر چه لایق (2) آرشیو

آرشیو

کیوسک ایران

مروری بر روزنامه های دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۸ آرشیو

آرشیو

نظرخواهی سبز

سالی که گذشت، سالی که می آید nazarkhahi@rahesabz.net آرشیو

آرشیو

خبر < سیاسی

تاریخ انتشار: ۲۳ اسفند ۱۳۸۸، ساعت ۷:۲۴ قبل از ظهر

مادر شهید عاشورایی خواستار شناسایی و مجازات آمران شهادت کریم بیگی شد



جرس: مصطفی 8 دی ماه شهید شد و 21 دی ماه ما او را شناسایی کردیم و 23 دی هم شبانه او را به خاک سپردیم. یک سوراخ در سمت چپ پیشانی پسرم بود و او را کالبد شکافی کرده بودند و از گردن تا زیر ناف او را دوخته بودند. قلب و کلیه و بقیه اعضای بدن را برداشته بودند اما ما از این بابت گله ای نداشتیم چون پسرم به همراه دخترم و من همیشه می گفتیم که بعد از مرگ اگر دچار صربه معزی شدیم اعضای بدن ما را باید به کسانی که نیاز دارند ببخشند.

اینها بخشهایی از صحبتهای مادر مصطفی کریم بیگی؛ از شهدای روز عاشورا است. این جوان 26 ساله را در حالی که گلوله ای به پیشانی اش اصابت کرده بود، از بالای بل کالج به پایین برت کردند. مادرمصطفی کریم بیگی در گفت و گو با روز آنلاین همچنان خواهان معرفی و محاکمه آمران و قاتلان فرزندش و دیگر کشته شدگان است. او شکایت خود را به دادگاه عدل الهی هم برده است و در انتظار وعده خداوند برای نابودی آمران این جنایات است.

خانم اگملی مادر داغدار شهید کریم بیگی در خصوص شکایت از عوامل شهادت فرزندش گفت: شکایت ما در دادسرای جنایی مفتوح است. قاتل فرزند من هم شناسایی شده است و خود آقایان بهتر می دانند کیست اما من نمی خواهم که او را بیاورند و اعدام کنند من می خواهم مسیب این جریانات معرفی و مجازات شود. کسی که دستور داده بچه های مردم را بکشند؛ او باید معرفی شود وگرنه اینکه یکی را بیاورند و بگویند این تیر زده که مهم نیست، مهم کسی است که دستور کشتن مردم را صادر کرده؛ او باید مجازات شود. از طرفی من به دادگاه عدل الهی هم شکایت برده و از خدا خواسته ام که مسیب این جریانات را نابود کند. ما به دنیای بعد از مرگ اعتقاد داریم و می دانیم بهشت و جهنمی هست. به خدا سپرده ام. مصطفای من با آزادی رفت و با مردانگی جانش را از دست داد. من سربلند هستم و با افتخار می گویم که بچه ام با سربلندی و برای آزادی شهید شد به خاطر مردمش و به خاطر وطنش. حتی دو روز قبل از چهلهم هم به خواب خوارش آمد و از او خواسته بود که برای چهلهم خیار و آب سیب خیرات کنیم ما هم هر کسی آمد گفتیم مصطفی پیغام داده خیار بخورید، آب سیب بخورید و....

وی در رابطه با نحوه مطلع شدن از شهادت فرزندش می گوید: من 14 روز از پسرم بی خبر بودم؛ خانواده هر روز دم در زندان اوین دنبال بچه ام بودند اما هیچ کسی هیچ خبری نمی داد. رفتیم شکایت کردیم اما ماموران امنیتی خیلی برخورد بد و زننده ای کردند و به من گفتند: "برو بچه ات را از توی جوب پیدا کن و در بیاور" و بعد هم گفتند: "حتما بچه ات کراک کشیده افتاده به گوشه" و... گفتیم بچه من اصلا اهل سیگار هم نبود و برای اعتراض به کشتن جوانان مردم رفته بود. آگاهی تهران هم که رفتیم عکس مصطفی را دیدم اما به من گفتند اشتباه می کنی این پسر تو نیست و قبلا کس دیگری او را شناسایی کرده است. باورم هم نمی شد. بعد گفتند برو به پزشکی قانونی کهریزک سر بز. من رفتم و بیکر پسرم را شناسایی کردم. هنوز شاک گردن دور گردنش بود. دنیا روی سرم خراب شد و دیگر چیزی نفهمیدم. اصلا نفهمیدم چگونه مرا از کهریزک بیرون آوردند.

این مادر دل شکسته از اعتراضات فرزند جوانش می گوید که با یقین به بازرس گیری رای اش، لحظه ای از پا ننشست؛ از 18 تیر ده سال پیش همیشه در اعتراضات شرکت می کرد؛ بعد از انتخابات هم در تمام اعتراضات حضور داشت. می گفت رای مان را پس خواهیم گرفت و اجازه نخواهیم داد خون جوانان مردم پامال شود. همیشه می گفت معلوم نیست جقدر باید خون ریخته بشود تا بچه های ما در آینده بتوانند در آزادی زندگی کنند. مدام به من می گفت که اگر او را بازداشت کردند جلوی زندان اوین نرم. حتی می گفت: "گریه و زاری تو پیش ماموران به خاطر

سبز

ا. فجر را زندانیان، عطقی را آزاد بد؟

حسن مسرت ارداد ا.پی. تی و هبرد برخطر

رام حسین زاده سد به دست ایجناب کودتا

سن یوسفی سکوری نمد قابل؛ المی راستین

برا زهنورد زکوب اندیشه ان به بهانه دفاع لذت طلبان

آرشیو

ر سبز

مارا زرتشت بر اطلاعات سما دروغ گفته مت

ا.هیم دی بر یک بنه

عنبن صدیقی ۱ بومو ا.هی به آینده نیش سبز

بین ایزدی اومر یا تداول رت؟

مال ایرانی پای فتح فضای جازی

آرشیو

ان سبز

بیمه سادات لطیایی گس عید سال غصه خود رضا می برد

بدی میردامادی
**نوشته ای برای
ر در بند**

مه
**الروز ترور
عید حجابیان**

نا
**غره هفت سین
ای تمام کودکان
رانی پهن نمی**

شین احمدی
اسانی
**پیشواز دید و
زیدها نوروزی**
آرشیو

**کمک ایرانیان
هم دارد**

یز،
ایباری دائمی

که باغبان متولی
هرزه هارا حمایت
غای گزیده پرورش
و نگرهداری جوانه
سبزبرای سرفراز
مان در آینده مهم
ت ادامه ...

ه همکاری

م مطالب خود را از
ارسال به ما و یا
sardabir@ برای
سال کنید

شانه



```
<a  
href="http://ww  
z.net">  
  
<img  
src="http://d3Ë  
9 cloudfront net
```

مین بدترین شکنجه برای من است. حتی اگر مرا کشتند هم نیا و التماس نکن، زاری نکن، سرت را بالا بگیر و نگذار به خاطر گریه ها و التماس های تو من شکنجه شوم چون این بدترین شکنجه است برای من و... باور کنید من هم در 14 روز حتی یکبار هم جلوی اوین نرفتم همیشه پدرش می رفت و با اینکه قلم بر می کشید اما نرفتم.

وی در رابطه با گواهی دفن این شهید و شروط تحویل پیکر جگر گوشه اش می افزاید: پزشکی قانونی به ما گفت که روز عاشورا کشته شده اما سه گواهی دفن صادر کردند که در یکی نوشته بود به علت برخورد جسم نوک تیز با سرش کشته شده؛ در گواهی دوم نوشته بودند از پل افتاده و در گواهی دیگر هم نوشته بودند تیر به سرش خورده است. به شرطی پیکر مصطفی را به ما دادند که قبول کنیم در اثر برخورد با شی نوک تیز کشته شده و ما نیز برای اینکه بتوانیم پیکر پسرمان را تحویل بگیریم قبول کردیم.

این مادر عاشورایی علت دفن فرزندش در روستایی در شهریار می گوید: خودمان نخواستیم در بهشت زهرا دفن کنیم چون به ما گفتند یک قبر دو طبقه مجانی میدهم اما فقط باید پدر، مادر و خواهر مصطفی حضور داشته باشند و از طرفی به پدر مصطفی نیز گفتند اعلام کنید مصطفی بسیجی بود و پدر مصطفی نیز گفت من میخواهم بچه ام را کنار مادربرگش دفن کنم. همین که پدر مصطفی این جمله را گفت یک ساعت طول نکشید که خود آقایان در امام زاده مهدی جعفر، در روستای جوقین از توابع شهریار، قبر را نیز کردند و یک ماشین از اطلاعات اسکورت کرد و خودشان بدون اینکه به ما بگویند بچه ام را به بهشت زهرا بردند و شستند و بعد آوردند شهریار و دفن کردیم. تمام لحظات هم فیلمبرداری می کردند. بچه من ساعت 8 شب دفن شد و من در حسرت وداع با او بودم و گفتم میخواهم بغلش کنم؛ فبری که کنده بودند کوچک بود و پیکر بچه ام به قبر نرفت و من توانستم بغلش کنم. اما یک نکته که من واقعا میخواهم از پزشکان پرسیدم و به من بگویند این است: وقتی فردی که قرآن میخواند رفت نوک قبر و زیر سر مصطفی را گرفت دستش پر از خون شد و گریه کنان بیرون آمد و رفت و فرد دیگری آوردند. چگونه ممکن است بچه من که 6 دی شهید شده به یکباره در 23 دی این همه خون از زیر سرش سرازیر شود؟

مادری که حتی از وداعی آخر با فرزندش محروم بوده، در خصوص برگزاری مراسم عزاداری می گوید: برای مراسم ختم ما در مسجد محله مراسمی گرفتیم اما بر از مامور اطلاعاتی بود که کسی اعتراضی نکند و حرفی نزنند و صدایی از کسی درنیاید. چند روز بعد هم آمدند در خانه و گفتند پسران بسیجی بوده و میخواهیم برای چهلمش پلاکارد با تاج گل بیاوریم که من گفتم بچه من بسیجی نبود و مراسم هم نمی گیرم برای همین برای چهلم ما مراسم نگرفتیم و رفتیم سر خاک پسرمان.

در همین زمینه:

۲۶ بهمن < **اختصاصی جرس / هویت یکی دیگر از شهدای عاشورای خونین تهران مشخص شد**

خانه | درباره ما | تماس با ما | آرشیو | کمک به ما | پیوندها

© همه حقوق برای جنبش راه سبز (جرس) محفوظ است. ۱۳۸۸
استفاده از مطالب سایت یا بخشی از آن با درج منبع بلامانع است.

راديو جرس



**از اینجا روی پلیر خود
بشنوید
Radio@rahesabz.net**

آرشیو

خبرنامه سبز

در خبرنامه جنبش راه سبز عضو شوید تا اخبار را روزانه در ایمیل خود دریافت کنید.

آدرس ایمیل خود را وارد کنید

عضویت



jaras@sabznameh.com

فید (RSS)

جنبش راه سبز را از خیرمابه آن دنبال کنید

تمام اخبار (متن کامل)

تمام اخبار (متن خلاصه)

راه سبز: تحلیل

راه سبز: خبر

کمک به ما

Donate



اسپانسرها

لطفا برای آگهی با ایمیل
advertising@rahesabz.net
تماس بگیرید.

GREEN WEEK

